



دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد  
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

# بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت جزایی ناشی از ترک فعل از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

استاد راهنما:

دکتر رضا فانی

استاد مشاور:

دکتر رضا الهامی

پژوهشگر:

مریم صیدی

شهریور / ۱۳۹۲

تبریز / ایران



تقدیم به  
او که آموخت مرا تا بیاموزم...

تقدیم به پدرم؛  
که به دیار معبود شتافت...

تقدیم به مادرم؛  
اسوهی صبر و تلاش.

## سیاس و تقدیر

سیاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بر حسب وظیفه و از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد عزیز جناب آقای دکتر الهامی که با راهنمایی‌های خویش، مسیر مرا روشنی بخشیدند؛ و از استاد عزیز جناب آقای دکتر فانی که زحمت مشاوره‌ی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند و صمیمانه پرسش‌های مرا پاسخ گفتند؛ تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین از دوستان خوبم خانم‌ها سپیده قزوینه، سوسن قادری و زینب اسلامی که یاریم کردند تشکر می‌کنم.

و با سپاس بیکران خدمت دوست بسیار عزیزم خانم طاهره خدامرادی که صبورانه در تمام لحظات رفیق راه بود.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا، بر منتهای همت خود کامران شدم...

مریم صیدی

شهریور / ۱۳۹۲

تبریز / ایران

# فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	الف.....

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. مقدمه.....	۲.....
۲-۱. مفاهیم.....	۴.....
۱-۲-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی مسئولیت.....	۳.....
۱-۲-۱-۱. مفهوم مسئولیت جزایی.....	۳.....
۲-۲-۱. تعریف مسئولیت مدنی.....	۵.....
۲-۲-۱. شرایط مسئولیت جزایی.....	۵.....
۱-۲-۲-۱. قابلیت مسئولیت.....	۵.....
۲-۲-۲-۱. اختیار و آزادی.....	۷.....
۳-۲-۱. تفاوت مسئولیت جزایی و مدنی.....	۸.....
۴-۲-۱. تعریف جرم.....	۱۱.....
۵-۲-۱. تعریف فقهی جرم و گناه.....	۱۲.....
۶-۲-۱. تعریف جرم فعل.....	۱۲.....
۱-۶-۲-۱. جرم اجتماعی.....	۱۳.....
۲-۶-۲-۱. جرم اختصاصی.....	۱۳.....
۷-۲-۱. ارکان تشکیل دهنده جرم.....	۱۴.....
۱-۷-۲-۱. عنصر قانونی.....	۱۴.....
۲-۷-۲-۱. عنصر مادی.....	۱۴.....
۳-۷-۲-۱. عنصر معنوی.....	۱۵.....
۸-۲-۱. شروع به جرم.....	۱۷.....

## فصل دوم: بررسی جرم ناشی از ترک فعل

۱-۲. تعریف ترک فعل.....	۱۹.....
۲-۲. تفاوت جرم فعل و جرم ترک فعل.....	۲۰.....
۳-۲. انواع جرایم ترک فعل.....	۲۱.....
۱-۳-۲. ترک فعل محض.....	۲۱.....
۲-۳-۲. جرم فعل ناشی از ترک فعل.....	۲۴.....
۴-۲. تفاوت جرم ترک فعل محض با جرم فعل ناشی از ترک فعل.....	۲۵.....
۵-۲. منشأ ایجاد مسئولیت در جرم فعل ناشی از ترک فعل.....	۲۶.....

- ۲۶-۱-۵-۲. ترک وظیفه ناشی از قانون یا قرارداد.....
- ۲۷-۲-۵-۲. ترک وظیفه ناشی از وجود رابطه خاص.....
- ۲۷-۳-۵-۲. ترک وظیفه ناشی از ایجاد خطر قبلی.....
- ۲۷-۴-۵-۲. ترک وظیفه ناشی از پذیرش اختیاری مسئولیت.....
- ۲۸-۶-۲. مصادیق ترک فعل.....
- ۲۹-۷-۲. تقصیر.....
- ۲۹-۱-۷-۲. بی احتیاطی.....
- ۳۰-۲-۷-۲. بی مبالاتی.....
- ۳۰-۳-۷-۲. عدم رعایت نظامات دولتی.....
- ۳۱-۸-۲. شرایط وقوع جرم ترک فعل.....
- ۳۱-۱-۸-۲. وجود یک وظیفه قانونی.....
- ۳۲-۲-۸-۲. توانایی تارک بر انجام کار.....
- ۳۳-۳-۸-۲. وجود عنصر روانی در تارک.....
- ۳۳-۹-۲. عناصر تشکیل دهنده جرم ترک فعل.....
- ۳۳-۱-۹-۲. عنصر قانونی.....
- ۳۴-۲-۹-۲. عنصر مادی.....
- ۳۴-۱-۲-۹-۲. ایجاد اسباب خطر.....
- ۳۵-۲-۲-۹-۲. تأثیر اسباب خطر نسبت به مجنی علیه.....
- ۳۵-۳-۲-۹-۲. رابطه سببیت.....
- ۳۷-۳-۹-۲. عنصر روانی.....
- ۳۸-۱۰-۲. شرکت در ترک فعل.....
- ۴۰-۱-۱۰-۲. موضوع شرکت در جرم.....
- ۴۱-۱۱-۲. معاونت در ترک فعل.....
- ۴۲-۱-۱۱-۲. مخالفان.....
- ۴۴-۲-۱۱-۲. موافقان.....
- ۴۵-۳-۱۱-۲. نظر فقها.....
- ۴۷-۱۲-۲. تفاوت معاونت و شرکت در جرم.....
- ۴۸-۱۳-۲. اضطرار در ترک فعل.....
- ۵۰-۱۴-۲. ضمان پزشک در صورت ترک فعل.....
- ۵۱-۱-۱۴-۲. بی مبالاتی پزشک.....

### فصل سوم: موضع فقه امامیه و حقوق ایران

- ۵۸-۱-۳. ترک فعل در آیات و روایات.....
- ۶۶-۲-۳. موضع فقه امامیه نسبت به ترک فعل.....
- ۶۹-۱-۲-۳. دیدگاه موافقان.....
- ۷۴-۲-۲-۳. دیدگاه مخالفان.....

- ۳-۲-۳. حاصل کلام..... ۷۹
- ۳-۳. موضع حقوق ایران..... ۷۹
- ۳-۳-۱. مواد قانونی مربوط به ترک فعل..... ۸۲
- ۳-۳-۲. ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرم از دیدگاه حقوقدانان..... ۸۷
- ۳-۲-۳-۱. مخالفان..... ۸۷
- ۳-۲-۳-۲. موافقان..... ۸۸
- ۳-۲-۳-۳. جمع بندی نظرات..... ۹۴
- ۳-۳-۳. جرم فعل ناشی از ترک فعل و موضع حقوقدانان..... ۹۰
- ۳-۳-۱. جمع بندی..... ۹۴
- ۳-۳-۴. شرایط مسئولیت کیفری برای تارک فعل در حقوق ایران..... ۹۵
- ۳-۳-۵. نظریه اداره حقوقی فوه قضاییه..... ۹۹
- نتیجه گیری..... ۱۰۱

## منابع و مأخذ

- منابع فارسی..... ۱۰۴
- منابع عربی..... ۱۰۶

## چکیده

اصولاً از دیدگاه حقوقدانان و اساتید علم حقوق، صرف وجود متن قانونی نمی‌تواند موجب تعقیب افراد باشد، مجرم باید عملی مادی انجام دهد و یا به ترک عملی مبادرت نماید تا مستوجب مجازات گردد. بارزترین مصداق عمل مادی در جرم، فعل است. جرم فعل، ارتکاب رفتار مجرمانه‌ایست که مطابق قانون ممنوع شده است که ممکن است به صورت گفتن یا نسبت دادن شفاهی یا کتبی و یا انجام عملی باشد که قانون آن را با قید مجازات منع کرده است. مانند توهین، افترا، سرقت، جاسوسی و نظایر آن. در حقوق موضوعه، غالباً مسئولیت کیفری برای فردی متصور است که با انجام یک فعل مثبت مرتکب جرمی شده و یا موجبات آن را فراهم کرده است مثل توهین، افترا، جاسوسی و نظایر آن.

مواردی نیز وجود دارند که قانونگذار از نظر حفظ نظم عمومی برای افراد، تکالیفی معین می‌کند که انجام ندادن آن‌ها ممکن است جرم شناخته شود. در این موارد، جرم عبارت از خودداری از انجام تکالیف محوله خواهد بود. رفتار مجرمانه‌ی منفی غالباً از طرف مستخدمان دولتی ارتکاب می‌یابد، اما گاهی توسط افراد عادی نیز واقع می‌شود.

آنچه در پایان‌نامه‌ی حاضر مورد بحث می‌باشد این است که آیا می‌توان مسئولیت کیفری را بر تارک فعل نیز بار کرد؟ بدین معنا که فردی با خودداری از انجام عملی، مجرم شناخته شود؟ در این خصوص میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر است. منشأ این اختلاف این است که آیا می‌توان میان ترک فعل و وقوع جرم مثلاً وقوع قتل رابطه علیت برقرار دانست یا خیر؟

عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که، عدم نمی‌تواند پدیده‌ای مثبت را به وجود بیاورد، لذا ترک فعل هم نمی‌تواند منجر به تحقق جرم که امری مثبت و وجودی است، گردد.

در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند نباید به ترک فعل از دید فلسفی نگریم و ترک فعل را نیز با شرایطی دارای مسئولیت کیفری می‌شناسند و در صورت خودداری تارک از انجام عمل مورد نظر وی را مسئول می‌دانند، اما اگر تارک تعهد به انجام این فعل را نکرده باشد مسئولیتی متوجه او نیست، هر چند ممکن است یک وظیفه‌ی اخلاقی را نقض کرده باشد.

در این پایان‌نامه سعی شده است نظرات فقها و حقوقدانان در رابطه با بحث ترک فعل و ضمانت ناشی از آن ذکر، و بررسی و جمع بندی شود.

**کلید واژه‌ها: ترک فعل، عنصر مادی و معنوی، رفتار مجرمانه، ضمانت اجرا، جرم.**



# فصل اول

## کلیات و مفاهیم

## ۱-۱. مقدمه

جرم را نمی‌توان تنها شامل رفتاری که از مرتکب سر می‌زند دانست، بلکه دارای داری سه جزء می‌باشد که بدون تحقق آن سه جزء، جرم محقق نمی‌شود. الف: رفتار فیزیکی که میتواند فعل (اعم از کردار یا گفتار) و ترک فعل و یا حالت و وضعیت خاص دارای وصف مجرمانه باشد. ب: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرایم علیه تمامیت جسمانی. ج: وقوع نتیجه مشخص.

رفتار فیزیکی: منظور از رفتار فیزیکی رفتاری است که از مرتکب سر می‌زند که ممکن است به صورت فعل باشد، مانند اینکه کسی را با آلت قتاله می‌کشد و یا مال دیگری را می‌رباید. و ممکن است به صورت ترک فعل باشد که رفتار مجرمانه منفی است؛ یعنی مجرم از انجام وظیفه قانونی خویش خودداری می‌کند. مانند ترک نفقه، که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است. و یا رفتاری که دارای وصف خاص مجرمانه است، مانند اعتیاد و یا همراه داشتن سلاح، که اکثر جرایم در حال حاضر از نوع اول می‌باشد. اما آنچه مربوط به این بحث است جرم ترک فعل و مسئولیتی است، که در نتیجه‌ی آن متوجه تارک فعل می‌باشد.

آنچه مورد پذیرش و حقوقدانان است ارتکاب بسیاری از جرایم از طریق فعل مثبت است به نحوی که می‌توان اصل را بر ارتکاب جرم از طریق فعل مثبت دانست. فعل مثبت ممکن است به صور مختلف صورت گیرد مثل سرقت، زدن و به طور کلی با ارتکاب هر عملی که وقوع جنایت مترتب بر آن است، فرد نیت مجرمانه خود را تحقق بخشد. در میان سایر شیوه‌های ارتکاب جرم، این ترک فعل است که در برابر فعل مثبت قرار می‌گیرد و منجر به ایجاد اختلاف بین حقوقدانان می‌شود که آیا ترک فعل می‌تواند در شرایط خاص، عنصر مادی جرایمی را تشکیل دهد که معمولاً با فعل مثبت ارتکاب می‌یابند؟ ترک فعل یا جرایم منفی آنهایی هستند که مکلف اوامر مقنن را ترک می‌نماید. مثل امتناع مستخدمین دولت از انجام وظیفه‌ی قانونی خویش یا امتناع شوهر از دادن نفقه.

موضوع اثر حاضر بررسی مسئولیت ناشی از ترک یاری رساندن به دیگری در فقه امامیه و حقوق ایران است و در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا کمک رساندن به دیگری الزامی است؟ و در صورت مثبت بودن، ضمانت اجرای کیفری آن چیست؟

بنابر دیدگاه اخلاقی در ترک فعل منجر به مرگ، تارک مسئول است. اما در حیطة حقوق جزا با پذیرفته شدن اصل قانونی جرائم و مجازات‌ها، بدون وجود یک تکلیف و الزام قانونی نمی‌توان کسی را به کاری وا داشت و او را از باب خودداری و انجام ندادن کاری معین مجازات نمود؛ بلکه برای مقصر دانستن افراد وجود مقررات خاص در زمینه اصل تکلیف و پیش‌بینی مجازات شخص ضروری است و مسئولیت جزایی در صورتی گریبان‌گیر او خواهد شد که ترک فعل به عنوان عنصر مادی پذیرفته شود که در پایان‌نامه‌ی حاضر به این بحث پرداخته شده است.

افراد با بی‌تفاوتی از کنار مسأله‌ای که مربوط به نجات جان یک انسان است می‌گذرند و این مسأله گاهی به مرگ، نقص عضو، جراحات و صدمات انسانی و خسارات مالی قابل پیشگیری منجر می‌شود. برای جلوگیری از این بی‌تفاوتی‌ها باید به طرح موضوع ترک فعل پرداخت.

درباره‌ی این موضوع اثر مستقلی در تألیفات فقهی و حقوقی ایران مطرح نشده است. هر چند اساتید بزرگ حقوق و فقهای عظام در مورد بحث‌های مطرح شده، ابعادی از موضوع را بیان کرده‌اند که اما پایان‌نامه‌ای با این موضوع تدوین نشده است. لیکن موضوع پایان‌نامه مسأله‌ی ابتکاری و تازه‌ای است که در این تحقیق به صورت مفصل بررسی می‌گردد.

## ۱-۲. مفاهیم:

### ۱-۲-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی مسئولیت

برای اینکه بدانیم مسئول کیست و مسئولیتی که افراد در قبال هم دارند چگونه است در ابتدا باید معنای مسئولیت و انواع آن مشخص شود که در این بحث به آن پرداخته می‌شود:

از نظر لغوی مسئولیت یعنی پاسخ دهی، موظف بودن به انجام دادن کاری (معین، ۱۳۷۷/۳؛ عمید، ۱۳۴۴/۳). و دکتر حیدری بیان می‌کند که مسئولیت مرادف با کلمه‌ی مسأله است که مشتق از مصدر فعل ثلاثی «سأل» است و مسئول، اسم مفعول آن می‌باشد، یعنی کسی که مرتکب جرمی شده از او درخواست دریافت جریمه می‌کنند. جریمه کلی است و به این معنی که باید تاوان ارتکاب جرمش را بدهد.

مسئولیت از نظر اصطلاحی یعنی التزام شخص به تحمل نتایج تصرفاتش که غیر مشروع و مخالف با واجب شرعی یا قانونی یا اخلاقی است و این مسئولیت بر سه نوع است: دینی، قانونی و اخلاقی (الحیدری، ۲۳).

معنای مسئولیت در اصطلاح حقوقی از معنای لغوی خود به دور نیفتاده است؛ زیرا در جامعه مسئول بودن یا مسئولیت به این معناست که شخص باید پاسخگویی اعمال خویش باشد و این پاسخگویی اگر در برابر خداوند صورت گیرد، مسئولیتی که با آن روبرو هستیم، مسئولیت دینی است، و اگر در برابر حقوق موضوعه انجام پذیرد مسئولیتی که با آن مواجه می‌باشیم مسئولیت حقوقی است (طاهری، ۲/۲۱۳). مسئولیت حقوقی نیز به نوبه‌ی خود به مسئولیت جزایی و مسئولیت مدنی تقسیم می‌گردد.

### ۱-۲-۱- مفهوم مسئولیت جزایی

مسئولیت جزایی، مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید. متضرر از جرم، اجتماع است (جعفری لنگرودی، ۶۴۲). وقتی می‌گوییم متضرر از جرم اجتماع است منظور این است: نظم عمومی جامعه در وهله‌ی اول در جرم انگاری بر مصلحت افراد ترجیح دارد. افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند جزئی از همین جامعه هستند و در صورت متضرر شدن یک نفر یا یک عده ممکن است این ضرر به کل جامعه سرایت کند. دکتر اردبیلی معتقد است: مسئولیت جزایی تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است یعنی تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید (اردبیلی، ۲/۷۴). گاهی شخص مسئول، علاوه بر مجازات قانونی ملزم به جبران خسارت هم می‌باشد.

### ۱-۲-۲- مفهوم مسئولیت مدنی

در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. بنابراین مسئولیت مدنی هنگامی به وجود می‌آید که کسی ملزم به ترمیم نتایج خساراتی باشد که به دیگری وارد کرده است (بجنوردی، ۱/۱۹۵؛ جعفری تبریزی، ۲۶۷).

حقوقدانان مسئولیت مدنی را این‌گونه تعریف می‌کنند:

مسئولیت مدنی نمایان‌گر مجموع قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان‌دیده ملزم می‌سازد، از دیدگاه دیگر در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱/۳۴؛ بادینی، ۳۲).

بنابراین مسئولیت مدنی عبارت است از: تعهد و الزام شخص به جبران زیان وارده به دیگری. چه زیان و اراده در اثر عمل خود شخص یا اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد.

### ۱-۲-۲. شرایط مسئولیت جزایی

پذیرش مسئولیت تنها بر عهده کسانی است که دارای شرایط ویژه‌ای باشند و به اصطلاح شرایط عامه تکلیف را داشته باشند تا مورد خطاب قانون‌گذار یا شارع قرار گرفته و مکلف به انجام تکالیف و وظایفی باشند و در مقابل از حقوقی نیز برخوردار گردند تا بتوانند در برابر جرایمی که مرتکب می‌شوند پاسخگو بوده و تاوان عمل خود را بپردازند. در این صورت است که می‌توان مجرم را فردی خطاکار و ظالم به خود و جامعه دانست و مستحق مجازات قلمداد کرد و در این صورت جزا مطابق با عدالت است.

از شرایط مسئولیت بلوغ و عقل و اختیار است که شخص را در برابر خود و خدای خویش و دیگران مسئول می‌کند که در این بحث به آن‌ها پرداخته شده است:

#### ۱-۲-۲-۱. قابلیت مسئولیت

کسی را می‌توان مسئول دانست که دارای عقل و بلوغ باشد یعنی بتواند آثار عمل خود را بداند.

**الف. عقل:** فهمیدن و دریافت کردن را می‌گویند. و در اصطلاح، نیروی نفسانی که تمیز دهنده نیک و بد، راست و دروغ و تعدیل‌کننده احساسات انسانی است (معین، ۱/۲۳۲۵؛ قریب، ۷۵۰؛ قرشی، ۲۸).

**ب بلوغ:** در لغت به معنای به سر رسیدن و یا رسیدن به انتهای مقصد اعم از آن که مکان باشد یا زمان یا امری معین را گویند (معین، ۱/۵۷۶؛ قرشی، ۲۲۸). و در اصطلاح رسیدن به سن رشد را می‌گویند (عمید، ۱/۲۷۹؛ قریب، ۱۷۹). آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی این واژه آمده یعنی اینکه با بلوغ، فرد به انتهای دورانی می‌رسد که همان دوران کودکی و دوران نداشتن تکلیف است.

آنچه در مسئولیت کیفری مهم است داشتن توانایی برای شناخت است. شناخت و ادراک، قدرت عقل در به دست آوردن آگاهی از خود و پیرامونش است، ادراکی که در دایره‌ی اهلیت کیفری اهمیت دارد؛ ادراک حسن و قبح و نیز ادراک سود و زیان است.

اهل لغت، ادراک را به معنای در رسیدن یا رسیدن کودک به بلوغ معنا کرده‌اند (معین، ۸۰/۱).

در تعلق احکام و واجبات شرعی و مسئولیت‌های جزایی به مکلف علاوه بر عقل، بلوغ نیز شرط شده است. بلوغ در اصطلاح شرع به معنای پایان یافتن دوران کودکی و راه یافتن به دایره‌ی تکلیف است؛ چنان که در تعریف آن گفته‌اند: «البلوغ اصطلاحاً الدخولُ إلى سنِّ التَّكْلِيفِ أی انتهاء حدِّ الصَّغَرِ و الوصول إلى بدء التَّكْلِيفِ» (هاشمی شاهرودی، فقه...، ۵۳/۵۹).

نشانه‌ی شرعی و قانونی بلوغ رسیدن، به سن معین است. اگر چه شارع نشانه‌های طبیعی این پدیده را نیز بیان داشته، ولی برای پیشگیری از بروز عسر و حرج، مکلفان را ملزم به تعبد بر سن خاص کرده است و کودک را هنگامی که به این سن رسید، بالغ شمرده و احکام بالغ را بر او مترتب ساخته است. مشهور فقیهان شیعه بر پایه روایات بسیاری که سن بلوغ شرعی را بیان می‌دارند، نه سالگی برای دختران و پانزده سالگی را برای پسران به عنوان زمان بلوغ اعلام کرده‌اند. این سن، زمان انجام تکلیف و واجبات شرعی است و شخص در برابر رفتار و اعمالش مسئول است و مورد عقاب و عتاب قرار می‌گیرد و در صورت ارتکاب جرم، حدود الهی بر او جاری می‌شود. احادیث بسیاری وجود دارد که سن بلوغ را زمان تکلیف و حسابرسی و پاداش و کیفر می‌داند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) امام صادق(ع) فرمودند: فرزندان مسلمانان اگر در سنّ کودکی از دنیا بروند نزد خداوند بخشیده می‌شوند و شفاعت کننده هستند و زمانی که به سنّ دوازده سالگی برسند، اعمال نیک آن‌ها به حسابشان منظور می‌گردد و زمانی که به سنّ تکلیف برسند، اعمال خلاف آنها ثبت می‌شود<sup>۱</sup> (حرعاملی، ۴۲/۱).

۲) امام صادق(ع) فرمودند: زمانی که (دختر) به نُه سالگی رسید، دارایی او، به او بازگردانده می‌شود و رواست که در مال خود تصرف کند و حدود تامه، به سود او و علیه او جاری می‌شود<sup>۲</sup> (همو، ۲۰/۲۸؛ کلینی، ۷۰/۷).

۳) امام صادق(ع) فرمود: هنگامی که طفل کاملاً رشد یافت و ۱۳ سالگی را تمام کرد و وارد ۱۴ سالگی شد هر آنچه بر مسلمان بزرگسال واجب است بر وی واجب می‌شود چه محتمل شده باشد یا نشده باشد. گناهان و نیکی‌هایش هم نوشته می‌شود و انجام دادن هر

---

<sup>۱</sup> مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ أَوْلَادَ الْمُسْلِمِينَ مَوْثُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ - شَافِعٌ وَ مُشَفَّعٌ فَإِذَا بَلَغُوا اثْنَيْ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ - فَإِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ كُتِبَتْ عَلَيْهِمُ السَّيِّئَاتُ.

<sup>۲</sup> مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخِرَازِيِّ عَنْ زَيْدِ الْكِنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْجَارِيَةُ إِذَا بَلَغَتْ تِسْعَ سِنِينَ ذَهَبَ عَنْهَا الْإِثْمُ - وَ رُوجَتْ وَ أُقِيمَتْ عَلَيْهَا الْحُدُودُ التَّامَّةُ لَهَا وَ عَلَيْهَا.

کاری برای او جایز است مگر آن که ضعیف العقل یا سفیه باشد<sup>۱</sup> (حرّ عاملی، ۳۶۴/۱۹؛ کلینی، ۶۹/۷).

بنابراین با توجه به مفهوم عقل و بلوغ، نمی‌توان صغیر و مجنون را مسئول شناخت زیرا این دو آثار عمل خود را نمی‌دانند. منظور از صغیر بچه‌ایست که ممیز نیست و گرنه بچه ممیز در سنی است که بین خوب و بد، مضر و نافع تمیز می‌دهد و آثار عمل خود را می‌داند (گرجی، ۳۴۲).

### ۱-۲-۲. اختیار و آزادی

از آن جا که اختیار و آزادی از مبانی مسئولیت جزایی به شمار می‌روند لذا در صورت فقدان آن‌ها یا ایجاد هرگونه محدودیت در آن‌ها دیگر نمی‌توان قایل به تحقق مسئولیت شد چه در این صورت یکی از مبانی و عناصر تحقق آن مفقود یا معیوب است (محقق داماد، ۱۰۱/۴). محدودیت در اختیار یعنی اینکه فرد به انجام عملی یا ترک آن رضایت نداشته باشد. بنابراین، صرف نظر از ضوابط شرعی و مستندات منقول که در فقه اسلامی در مقام توجیه رفع مسئولیت از مکره مورد استناد قرار گرفته‌اند، با تکیه بر استدلال عقلی هم می‌توان در مواردی که شخص در اثر اکراه و به منظور رهایی از خطری که از ناحیه‌ی اکراه کننده او را تهدید می‌کند اقدام به انجام یا ترک عملی نماید که در شرایط عادی نقض مقررات شرعی یا قانونی محسوب می‌شود، حکم به عدم تحقق مسئولیت و منع مؤاخذة و کیفر نمود (محقق داماد، ۱۰۲/۱؛ اردبیلی، ۹۱/۲).

### ۱-۲-۳. تفاوت مسئولیت جزایی و مدنی

مسئولیت جزایی و مسئولیت مدنی از جهات متعدّد، متمایز و متفاوت هستند که ما به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. مسئولیت مدنی هنگامی تحقق می‌یابد که به یک شخص، (خواه حقیقی و خواه حقوقی) زیان وارد آید، ولی مسئولیت جزایی آنگاه به وقوع می‌پیوندد که زیان بر جامعه وارد آید، از این رو مسئولیت مدنی اساساً توجه خود را به حمایت از فرد معطوف می‌سازد، در حالی که مسئولیت جزایی دفاع از جامعه را در درجه اول دنبال می‌کند، و در مسئولیت مدنی حمایت از شخص به صورت جبران خسارت فرد زیان دیده متجلی می‌شود، ولی در

---

<sup>۱</sup> وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَنْتِ إِبْنِ عُبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً - وَ دَخَلَ فِي الْأَرْبَعِ عَشْرَةَ - وَجَبَ عَلَيْهِ مَا وَجَبَ عَلَى الْمُخْتَلِبِينَ أَحْتَلَمَ أَوْ لَمْ يَحْتَلِمَ - وَ كُتِبَ عَلَيْهِ السِّيَّئَاتُ وَ كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَاتُ - وَ جَازَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفًا أَوْ سَفِيهًا

مسئولیت جزایی دفاع از جامعه در مجازات مجرم نمایان و جلوه‌گر می‌گردد، تا هم وی به کیفر عمل خویش که امنیت، نظم و آرامش جامعه را بر هم زده و یا به مخاطره افکنده است برسد، و هم این که عبرتی برای دیگران بوده و آنان را از ارتکاب چنین عملی در آینده باز دارد (طاهری، ۲/۲۱۷؛ بادینی، ۳۶).

البته یکی از اساتید در ارتباط با مطلب فوق نظر بر این دارند که موارد فوق قابل نقض می‌باشند چون ممکن است کسی جنایتی بر علیه فرد کند و هیچ ضرری به جامعه نرسد و یا کسی خسارتی به جامعه و بیت‌المال وارد کند و مسئولیت مدنی در مقابل عموم پیدا کند.

ب. در مسئولیت جزایی مجازات مجرم سنگین و سخت است و گاهی جبران‌ناپذیر است؛ چرا که ممکن است در مواردی بازستاننده جان و آزادی مجرم بوده (مانند اعدام و حبس و ممنوع شدن از فعالیت‌های سیاسی و یا خروج از کشور و...) و یا به حیثیت و اعتبار او صدمه وارد سازد، قانونگذار باید اوامر و نواهی خود را که تخلف از آن‌ها مستلزم مجازات است به طور حصری و دقیق برشمارد، چنانکه در «اصل ۳۶» قانون اساسی آمده است که:

«حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» هر چند که در امور مدنی نیز کسی نمی‌تواند بدون مراجعه به دادگاه علیه دیگری، حکم به مسئولیت مدنی صادر کند و بخواهد از او، مطالبه‌ی خسارت کند.

و در «ماده ۲» قانون مجازات اسلامی چنین آمده است:

«هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است را جرم می‌گویند.»

بنابراین اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» حافظ حقوق و آزادی‌های فردی است، بر عکس، چون تحمل بار مسئولیت مدنی علی‌الأصول جنبه‌ی مالی دارد، آسان‌تر است و چنین الزامی برای مقنن وجود ندارد که اعمالی را که از لحاظ مدنی مسئولیت آورند به طور حصری احصا نماید و در این باره می‌تواند به ذکر احکامی کلی بسنده کند، چنانکه در «ماده ۱» قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار به همین کار دست یازیده است:

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

ج. در مسئولیت جزایی مجازات متوجه شخص مجرم است، اما در مسئولیت مدنی در مواردی مسئولیت برخی از اشخاص مستقیماً معلول عمل خود مسئول نیست، بلکه ناشی از فعل غیر است. مانند مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون که در نگاهداری و



حفاظت تقصیر کرده باشند، که در «ماده ۷» قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. و همچنین در مسئولیت مدنی تأدیه خسارت، الزاماً موجب کاهش ارقام مثبت دارایی شخص مسئول نمی‌شود؛ زیرا در موارد بسیاری این خسارت توسط بیمه‌کننده‌ی وی پرداخت می‌گردد، در حالی که این امر در حقوق کیفری ممنوع است و نمی‌توان خود را در برابر محکومیت‌های احتمالی به تأدیه‌ی جریمه، و به طریق اولی در مقابل مجازات زندان یا اعدام بیمه نمود.

د. در مسئولیت جزایی اصولاً مجازات متناسب با تقصیر ارتكابی است در حالی که در مسئولیت مدنی ممکن است خطایی ناچیز، زیانی هنگفت به بار آورد و عامل ورود این زیان به جبران کامل آن محکوم شود و یا حتی برخی موارد ممکن است وارد‌کننده‌ی زیان بی آن که تقصیری کرده باشد، مسئول جبران خسارت وارد بر شخص متضرر شناخته شود. مثل اینکه کسی فاضلاب کارخانه را به نهر عمومی هدایت می‌کند ولی در اثر گازهای متصاعد از مواد شیمیایی موجود در نهر عمومی، رهگذران یا درختان موجود در باغات اطراف آسیب و خسارت می‌بینند.

به هر حال، در حقوق جزایی، جرم غیر عمد جنبه‌ی استثنایی دارد و داشتن نیت بد یکی از عناصر جرم است و موردی وجود ندارد که کسی را بدون تقصیر مجرم بشناسند (هر چند در خطای محض باز هم مسئولیت متوجه فرد خاطی است)، اما در حقوق مدنی ممکن است شخص بدون داشتن هیچ نیت بدی و بدون هیچ تقصیری مسئول جبران خسارت شناخته شود، مثل این که شخص خوابیده با حرکتی که کرده پایش به ظرف قیمتی کسی برخورد و آن را بشکند، طبق قاعده‌ی «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود، با آن که هیچ تقصیری از او سر نزده است.

استثنایی که در حقوق جزایی وجود دارد این است که گاهی فرد تقصیر نکرده اما کارش باعث زیانی به جان کسی شده است که همان خطای محض است در این صورت قانون برای فرد خاطی مجازات در نظر گرفته است.

ه. قلمرو این دو مسئولیت نیز متفاوت است. پاره‌ای از جرایم، با این که مجازات‌های کم و بیش سنگینی دارد، چون برای اشخاص خسارتی ایجاد نمی‌کند، با مسئولیت مدنی همراه نیست، مانند جرایم سیاسی و ولگردی. برعکس، پاره‌ای از مسئولیت‌های مدنی نیز جرم به حساب نمی‌آیند، چنان‌که هرگاه مالکی در ملک خود تصرفی خارج از حدود متعارف کند و از این راه زیانی به همسایه برسد از لحاظ مدنی مسئول است، ولی از لحاظ جزایی مجرم نیست.

البته در پاره‌ای از امور، کار ناشایسته هر دو مسئولیت را به همراه دارد مانند: سرقت و خیانت در امانت و کلاهبرداری، که گذشته از کیفر دادن مجرم، قانون او را ملزم می‌سازد تا زیان‌های مدعی خصوصی را نیز جبران نماید (طاهری، ۲/۲۱۹).

و. با توجه به موارد یاد شده روشن گردید که فاصله‌ی این دو مسئولیت از هم بسیار است. برای اینکه مسئولیت مدنی تحقق یابد، باید زیانی بر کسی وارد آید زیرا اگر ضرر و زیانی در کار نباشد مسئولیتی نیز به بار نمی‌آید اما در مسئولیت جزایی شروع به جرم بی آن که زیانی وارد شده باشد موجب مجازات است (همو، ۲/۳۴۲).

## ۱-۲-۴. تعریف جرم

گرچه واکنش اجتماعی در مقابل پدیده‌های مختلف به انحاء گوناگون ظهور می‌کند اما این واکنش در مقابل فعل و ترک فعل که به جامعه آسیب می‌رساند و نظم اجتماعی را دچار آشوب می‌کنند و به عبارت دیگر، این واکنش در مقابل عمل مجرمانه یا جرم شدیدتر است، لذا جامعه نه با قوانین اخلاقی بلکه با قوانین جزایی با این پدیده مبارزه می‌کند بلکه می‌توان گفت واکنش‌های اجتماعی در قبال اعمال ضد آن در قانون متبلور می‌گردد و عنوان جرم می‌گیرد، لذا شناخت جرم و تعریف آن ضروری است که در این بحث به تعریف لغوی و اصطلاحی جرم پرداخته می‌شود.

از نظر لغوی کار زشت، بزه و گناه را جرم می‌گویند (معین، ۱/۱۲۲۵؛ عمید، ۱/۴۶۰؛ قریب، ۳۳۲).

از نظر اصطلاحی طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است را جرم می‌گویند».

دانشمندان حقوق جزا جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌کنند که از نظر خارجی به نظم، صلح و آرامش لطمه وارد می‌کند و قانون بدین دلیل، ضمانت اجرایی برای آن فراهم می‌سازد (نوربها، ۱۳۶).

یکی از حقوقدانان جرم را این گونه تعریف می‌کند:

جرم نقض ارزش‌های اجتماعی مورد حمایت قانون توسط شخصی که دارای اراده‌ی آزاد و قدرت ادراک است می‌باشد (رنجبر، ۱۷). این تعریف شامل کودک ممیز نیز می‌شود چون در تعریف به قدرت ادراک اشاره شده است ادراک همان تشخیص میان خوب و بد است که کودک ممیز این تشخیص را داراست.

از سخنان حقوقدانان در باب جرم و مسئولیت چنین به دست می‌آید که مقصود از جرم تنها فعل یا ترکی است که به جان، یا ناموس یا حیثیت دیگران لطمه‌ای وارد آورد؛ و شامل همه‌ی جرایم عمدی و خطائی می‌گردد. اما جنایتی که بر مال دیگری وارد می‌آورد مسئولیت مدنی نیز دارد.

### ۱-۲-۵. تعریف فقهی جرم و گناه

در فقه شیعه هر یک از عنوان‌های "جرم و جنایت" که کیفر دنیوی دارد و "گناه"، که گناهکار را مستحق عذاب در آخرت می‌کند، تعریف شده‌اند و هیچ‌کس صلاحیت ندارد فراتر از آنچه در فقه شیعه، جرم و گناه تعریف شده است؛ عناوین و ماهیت‌های جدیدی را جرم یا گناه معرفی کند.

در اسلام فعل "منهی عنه" و ترک فعل "مامور به"، گناه یا جرم است که بعضی از گناهان علاوه بر مجازات، کفاره هم دارد و بعضی دیگر کفاره ندارد اما جرایم بر پایه چهار مجازات عمده‌ی حدود، تعزیرات، قصاص و دیات تقسیم می‌شود. بنابراین جرایم خود تقسیم مستقلی در فقه ندارند بلکه بر اساس مجازات‌هایی که بر ارتکاب آنها مترتب می‌شوند به چهار نوع جرایم حد دار، تعزیری، قصاصی و دیه‌ای تقسیم می‌شوند (طباطبایی بروجری، ۸/۳۱).

### ۱-۲-۶. تعریف جرم فعل

ارتکاب جرم اغلب مستلزم جنبش و حرکتی از طرف فاعل است که آن را فعل می‌گویند (عبدالمالک، ۲۷/۳؛ اردبیلی، ۲۱۰/۱).

جرم فعل نظیر قتل، سرقت و افترا همواره با فرض کنش ایجابی متصور است. در ارتکاب جرایم فعل، نظر قانونگذار همیشه به شیوه‌ی ارتکاب و یا شکل به فعلیت درآوردن جرم معطوف نیست برای مثال در جرایمی چون قتل یا ایراد ضرب و جرح، قانونگذار به نتیجه‌ی این افعال توجه دارد (اردبیلی، ۲۷/۱). هر چند این نتیجه ممکن است با ارتکاب افعال متعددی به وجود بیاید اما برای قانون‌گذار نتیجه مهم است.

این فعل مثبت غالباً با فعالیت فیزیکی بزهکار مانند رفتار، گفتار، نوشتار و گاه برخی حرکات مجرم (که این حرکات نیز زیر مجموعه رفتار هستند) مشخص می‌شود. فعل مادی یک امر وجودی است و می‌تواند علت موجهی یک امر وجودی به شمار آید (نوربها، ۱۶۴). و منظور از فعل مادی، فعلی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر مجنی علیه اثر گذار است. از جمله مصادیق این اصطلاح که گاهی به آن فعل اصابتی نیز گفته می‌شود عبارتند از: ایراد ضرب و جرح، مسموم کردن و یا پرتاب کردن (آقایی نیا، ۳۱).

معمولاً جانی پس از قصد جنایت با ارتکاب افعالی که وقوع جنایت مترتب بر آن است، نتیجه‌ی مجرمانه‌ی خویش را محقق می‌سازد. فعل جانی ممکن است به صورت و اشکال مختلف از قبیل زدن و یا مجروح کردن با شیء برنده و... واقع شود. جرم را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

#### ۱-۶-۲-۱. جرم اجتماعی

جرم یک پدیده اجتماعی است؛ یعنی عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی در بروز رفتار مجرمانه مؤثر است.

جرمی که به منظور از بین بردن منافع عمومی صورت گیرد و اثر آن واژگونی تشکیلات اجتماعی باشد را، جرم اجتماعی می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۹۱).

جرم از نظر اجتماعی عملی است که نظم اجتماع را نقض کرده و این نظم در هر عصری متناسب با تمدن، افکار و عقاید متعارف همان عصر می‌باشد در فقه اسلامی نیز این مسأله مدت‌ها قبل از طرح آن تحت عنوان حق الله وارد شده است (رنجبر، ۱۵).

به هر ترتیب تعریف جرم از لحاظ اجتماعی برای مقنن مفید است زیرا با توجه به آن می‌توان پایداری اصول اساسی زندگی اجتماعی را تضمین نموده و برای تجاوز به آن مجازات تعیین نماید (همان).

#### ۲-۶-۲-۱. جرم اختصاصی

جرمی که بر ضد افراد و علیه مصلحت آنان صورت گرفته باشد مثل قتل (جعفری لنگرودی، ۱۹۱).